

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه فیلیو و شوسودوسکی
برگردان از: حمید محوی
۲۲ می ۲۰۱۸

چهار هدف برای واشنگتن : روسیه، چین، کوریای شمالی و ایران



مقاله حاضر ترجمه مطالبی است که رابین فیلیو و میشل شوسودوسکی در مصاحبه ویدئویی درباره کوریای شمالی و ایران و به ویژه خارج شدن امریکا از «برنامه جامع اقدام مشترک» مطرح کرده اند. هردو پیوند الکترونیک ویدئویی در مرکز مطالعات جهانی سازی منتشر شده است. در ترجمه سعی کردم ترکیب محاوره ای را تا حدودی حفظ کنم. میشل شوسودوسکی از استادان و تحلیلگرانی است که من دائماً نوشته های او را پی گیری و به فارسی ترجمه کرده ام. سایت مرکز مطالعات

جهانی سازی بخش فارسی ندارد ولی سالها پیش پروفیسور میشل شوسودوسکی به من اجازه داد مقاله های سایت او را به فارسی ترجمه و منتشر کنم.

رابین فیلیو در «کوریای شمالی : نه بر اساس «الگوی لیبیا» (۱۹ مه ۲۰۱۸) گفت :

«دونالد ترمپ و جان بولتون مشاور او به روشنی «الگوی لیبیا» را در چشم انداز دیدار احتمالی ترمپ با کیم جونگ اون مطرح کردند.

آیا حق به جانب کوریای شمالی هست یا نیست؟ و چرا این کشور در سال ۲۰۰۶ خود را به جنگ افزار هسته‌ئی تجهیز کرد؟

وقتی بغداد سقوط کرد، همین جان بولتون، که مشاور در کنترل جنگ افزارها بود، گفت که کوریای شمالی ها می توانند درس عبرت بیاموزند. کوریائی ها چه درسی از سقوط بغداد گرفته اند؟»
متن ویدئو فیلیو :

<https://www.mondialisation.ca/coree-du-nord-non-au-modele-libyen/5625736>

« امروز شنبه ۱۹ مه ۲۰۱۸، مطلع شدیم که کوریای شمالی در آخرین دقایق تصمیم گرفت که به دیدار کوریای جنوبی نرود و به روشنی اعلام کرد که خواهان مذاکره ای از نوع لیبیا با ایالات متحده آمریکا نیست.

برای درک این رویدادها من به کتابی مراجعه می کنم که هفته پیش درباره کوریای شمالی منتشر شد (...). «چند سال پیش روزنامه نگاری از جان بولتون پرسیده بود که سیاست شما در رابطه با کوریای شمالی کدام است؟ جان بولتون از قفسه کتابهایش یک کتاب بیرون کشید و آن را روی میز گذاشت «پایان کار کوریای شمالی» و گفت این سیاست ماست. پایان دادن به کار یا موجودیت کشوری به شیوه های مختلف امکان پذیر می شود، یکی از شیوه ها فشار نظامی ست.

علت تعلیق ملاقات با کوریای جنوبی این است که ایالات متحده از تاریخ ۱۱ مه مانور بزرگی را آغاز کرد، در واقع این مانور نظامی فشار زیادی را از سوی ایالات متحده روی کوریای شمالی وارد می کند. ایالات متحده در این مانور بزرگ تا ۳۰۰۰۰۰ سرباز را به خدمت گرفته و افزون بر این دستگاه های مربوط به پرتاب بمب اتمی جزء این مانور ها بوده اند. در واقع این مانور شبیه سازی حمله نظامی ست، یعنی همه تدارکاتی که برای آماده سازی گروه های نظامی، کشتی های جنگی، هواپیماهای جنگی پیش از آغاز جنگ ضروری می باشد. و هر بار که ایالات متحده چنین مانور هائی را به اجراء می گذارد، کوریای شمالی مجبور است با پذیرش مخارج عظیم نیروهایش را بسیج کند. این بودجه ای که کوریای شمالی به این امر دفاعی اختصاص می دهد در واقع بودجه مدنی ست که به این شکل از بین می رود، و فقط برای پیشگیری از حمله نظامی.

امریکا در سال ۲۰۰۲ در دوران جرج والکر بوش کوریای شمالی را محور شرارت نامید و سپس نام این کشور را در فهرست ۷ کشوری به ثبت رساند که می توانند هدف احتمالی حمله اتمی قرار بگیرند. ایالات متحده، سپس اعلام کرد که مسأله حمله به کوریای شمالی صرفاً به زمان بستگی دارد. در سال ۲۰۰۳ وقتی بغداد سقوط کرد، جان بولتون به کوریای شمالی ها یادآور شد که از این رویداد درس بگیرند. در نتیجه کوریای شمالی نیز درس عبرت گرفت و سه سال بعد نخستین بمب هسته‌ئی خود را آزمایش کرد. کوریای شمالی از آن تاریخ تا کنون ۵ بمب هسته‌ئی دیگر را آزمایش کرده اند.

یکی از اصول منشور منع گسترش سلاح هسته‌ئی این است که کشورهائی که فاقد بمب اتمی هستند نباید از سوی دارندگان بمب اتمی مورد تهدید اتمی قرار گیرند، زیرا این کشورها مجبور می شوند که برای دفاع از خود به تولید جنگ افزار هسته‌ئی بپردازند. و ایالات متحده آمریکا دائماً این اصل را زیر پا گذاشته است. در نتیجه کوریای شمالی به همان دلیلی خودش را به بمب اتمی تجهیز کرده است که کشورهائی دارند مانند آمریکا، فرانسه، انگلستان... یعنی برای دفاع قانونی از خود. همه ناظران بین المللی تأیید کرده اند که کوریای شمالی برای دفاع از خود و حق موجودیتش دو انتخاب داشت، یا بمب هسته‌ئی و یا تحمل مخارج بسیار هنگفت برای جنگ افزارهای متعارف. با درک چنین واقعیتی ست که می توانیم واکنش کوریای شمالی را درک کنیم. کوریای شمالی نمی خواهد دچار سرنوشت لیبیا شود، چنان که می دانیم این کشور مورد حمله قرار گرفت، تخریب شد و در حال حاضر در آناشی مطلق به سر می برد.

<https://www.mondialisation.ca/washington-et-ses-cibles-liran-la-coree-du-nord/5625551>

۹ مه ۲۰۱۸ : پس از کوریای شمالی، ایران در مگسک واشنگتن. چرا ؟ آیا این کشورها واقعاً جهان را تهدید می کنند ؟ اهداف واشنگتن کدام است ؟ کشورهای اروپائی که واشنگتن با آنها به مثابه سرزمین های استعماری رفتار می کند چه واکنشی نشان خواهند داد ؟

میشل شوسودوسکی به این پرسشها پاسخ می گوید. او توضیح می دهد که دو کشور روسیه و چین نیز از ۱۰ سال پیش جزء اهداف واشنگتن هستند و این موضوع به قدرت هسته ئی آنان مربوط نیست، که بمب داشته باشند یا نداشته باشند. ایران قابلیت هسته ئی نظامی ندارد، ولی کوریای شمالی بمب هسته ئی تولید کرده است.

فیلیو : رویدادهای بین المللی اخیر ما را متوجه کوریای شمالی و ایران کرده است. مسأله هسته ئی ... برای درک چگونگی این رویدادها فکر کردم که شخصی که می تواند به این پرسشها پاسخ بگوید میشل شوسودوسکی پروفیسور دانشگاه اوتاوا است که در عین حال سایت مرکز مطالعات جهانی سازی را مدیریت می کند..

روز بخیر میشل، با سپاس از این که دعوت ما را به این مصاحبه پذیرفتی

میشل شوسودوسکی : من هم سپاسگزارم که من را به برنامه دعوت کردی، فکر می کنم در کوران ۲۴ ساعت گذشته وضعیت تحول پیدا کرده، با دونالد ترمپ که توافق هسته ئی با ایران را باطل اعلام کرد. بی گمان پیامدهای وخیمی در پیش خواهد داشت. شخصاً فکر نمی کنم که این دونالد ترمپ بوده که تصمیم گرفته، در واقع تصمیم برای باطل کردن توافقنامه با ایران به پیش از امضای قرارداد باز می گردد، به این معنا که یک تاکتیک جنگی ست و هدفش گسترش جنگ در خاورمیانه است.

فیلیو : در سال ۲۰۰۲ ایالات متحده دو کشور را محور شرارت نامید، اهداف امریکا در برخورد با ایران و کوریای شمالی واقعاً کدام است، آیا می خواهد روی این دو کشوری که نظم جهانی امریکائی را نمی پذیرند فشار بیاورد، و یا این که می خواهد فراسوی این رویارویی به موضعگیری مناسبتری در مقابله با دو رقیب مهم دیگر یعنی روسیه و چین دست یابد ؟ اهداف بنیادی واشنگتن در این دو مورد چیست ؟

شوسودوسکی : فکر می کنم باید کمی به گذشته بازگردیم. ده سال پیش ایالات متحده مانور، یا تمرینات جنگی، سناریوهای جنگی به طور کلی علیه ۴ کشور فرضی بر پا کرد، این مسأله خیلی مهمی ست زیرا امروز می بینیم که همین ۴ کشور هستند به روی صحنه آمده اند یعنی روسیه، چین، کوریای شمالی و ایران. جالب است بدانیم که در سال ۲۰۰۷ پنتاگون فرمول سناریوی جنگ جهانی را مطرح کرده بود. وقتی می گوئیم سناریو، به این معناست که وضعیت ها و امکانات مختلفی را مد نظر قرار می دهیم، خیلی جدی ست، سناریوهای دیگری وجود داشت، ولی سناریوی جنگ جهانی [در سال ۲۰۰۷] به شکل رسمی اعلام شد. این سناریو یک مانور نظامی ژئوپولیتیک علیه ۴ کشور فرضی به نام «شوریا» (چین)، «هویک» (روسیه)، «هرمینگهام» (ایران)، و «نمازی» (کوریای شمالی). ما می دانستیم که موضوع چیست. این ۴ کشور که در جایگاه کشورهای دشمن تلقی می شوند، در واقع ۴ کشوری هستند که از ایالات متحده و ناتو فرمانبرداری نمی کنند.

فیلیپو : در نتیجه مسأله اقتصادی ست یعنی کشورهایی که نمی خواهند نظم تحمیلی را بپذیرند و از قوانین بازی امریکا پی روی کنند.

شوسودوسکی : بی گمان، ایران و کوریای شمالی به حاکمیت ملی خودشان وابسته اند و این موضوعیست که ایالات متحده امریکا نمی پذیرد [حاکمیت ملی این دو کشور را به رسمیت نمی شناسد]. در مورد ایران، تصمیم دونالد ترامپ وضعیت خیلی پیچیده ای را به وجود آورده، زیرا فرانسه در ایران منافع نفتی دارد، به همین نسبت انگلستان، کشورهای اروپایی با ایران رابطه بازرگانی دارند، طرح های سرمایه گذاری، به ویژه خرید ارباس، شرکت توتال، ... در نتیجه مخالفت سختی علیه ترامپ برای شکستن این توافق نامه وجود دارد. شکافی که به وجود آمده تقریباً شبیه سال ۲۰۰۳ به نظر می رسد یعنی وقتی که فرانسه با جنگ علیه عراق مخالفت می کرد. این موضوع را به یاد می آوریم. به سخن دیگر شکافی در ائتلاف غربی به وجود آمده بود، ولی امروز وضعیت خیلی وخیم تر است. به این علت که ساختار ائتلاف خیلی پیچیده است. به این معنا که ترکیه در عین حال که عضو ناتو می باشد با روسیه و ایران متحد شده، در نتیجه ائتلاف تناقض آمیز است. واشنگتن با ترکیه عضو ناتو متحد است، اسرائیل با ترکیه پیمان نامه نظامی، اطلاعاتی خیلی مهمی در سطح سرویس های سرّی به امضا رسانده اند در حالی که اکنون ترکیه با ایران و روسیه متحد شده است. در نتیجه بر پا کردن جنگ گسترده در وضعیتی که ساختار ائتلاف در حال از هم گسیختگی ست خیلی مشکل به نظر می رسد. می توانیم به جنگ اول جهانی مراجعه کنیم، ولی در حال حاضر وضعیت خیلی پیچیده است.

فیلیپو : میشل اگر ممکن است به ایران و کوریای شمالی بازگردیم، این دو کشور را معمولاً به نام کشورهای ستیزه جو معرفی می کنند، که این دو کشور جنگ افزار هسته ئی دارند یا می خواهند چنین جنگ افزاری را تولید کنند. واقعیت چیست ؟ خطر این دو کشور کدام است. می دانم که شما در این زمینه تحقیق کرده اید، درباره بودجه نظامی... آیا ترس از جنگ افزار هسته ئی در مورد این دو کشور کاملاً پوچ هست یا نیست ؟

شوسودوسکی : اولاً ایران توان هسته ئی در زمینه نظامی ندارد، این موضوع کاملاً تأیید شده است و همه دعاوی نخست وزیر اسرائیل نتانیاهاو کاملاً ساختگی ست. و آژانس ملل متحد که مرکز آن در وین است، روی مسأله هسته ئی ایران به روشنی اعلام کرد که دعاوی اسرائیل مضحک است. این یکی از عناصری است که باید بدانیم. ولی در مورد کوریای شمالی، البته کوریای شمالی دارای توانائی جنگ افزار هسته ئی ست. ولی دکترین کوریای شمالی، دکترین دفاعی ست. و مشخصاً برای دفاع در مقابل تهدید هسته ئی امریکا که از خیلی پیش، از سال ۱۹۵۰ و پیش از جنگ کوریا شروع شد.

فیلیپو : امریکا تهدید کرده بود که درو می کند و کاملاً کوریای شمالی را از بین می برد، و قتل عام می کند. در نتیجه واکنش کوریای شمالی قانونی و دفاع از خود می باشد.

شوسودوسکی : من فکر می کنم که این موضوع خیلی خوب فکر شده است. کوریای شمالی طی جنگ زیر حملات نیروی هوایی امریکا ۳۰% جمعیت خود را از دست داد و تهدید اتمی از سوی امریکا از همان جنگ کوریا آغاز شد. از پایان جنگ در سال ۱۹۵۳.

باید یادآوری کنم که در جلسه عمومی ملل متحد در سال گذشته، کوریای شمالی یگانه کشور دارنده جنگ افزار هسته ئی بود که به نفع منع گسترش جنگ افزار هسته ئی رأی داد، و برای این ابتکار عمل جایزه صلح نوبل را به این کشور

اعطا کردند. کوریای شمالی به الغای جنگ افزار هسته ئی رأی داد ولی اگر کوریائی ها جنگ افزار هسته ئی خودشان را حذف کنند دچار سرنوشت ایران خواهند شد.

فیلیپو : وقتی عراق سقوط کرد، جان بولتون به کوریائی ها گفت که باید از این رویداد درس عبرت بگیرند، پس کوریائی ها از سقوط عراق درس گرفتند و خودشان را به جنگ افزار هسته ئی مجهز کردند.

شوسودوسکی : جان بولتون گفته بود که باید کاری را که در لیبیا انجام دادند باید برای کوریائی نیز پیاده کنند. از ماه گذشته با بیانیه های رئیس جمهور کوریای جنوبی و کوریای شمالی، تغییراتی در ترکیب کابینه رئیس جمهور دونالد ترامپ روی داد، حالا مایک پامپئو که رئیس سازمان سیا بود، برای پست وزیر امور خارجه انتخاب شده، این موضوع گرایشات را تغییر می دهد. تغییر می دهد ولی همچنان در تداوم خط سیاست خارجی ایالات متحده امریکا را از ۴۰ یا ۵۰ سال پیش به این سو واقع شده است. پرونده ای از ستاد مرکز فرماندهی ایالات متحده که مربوط است به اواسط سالهای ۹۰، که به روشنی در رابطه با عراق و ایران از طرح کشورگشائی حرف می زند. و این طرح کشور گشائی طرحی ست برای کنترل نفت. ایران ۱۰% تا ۱۱% ذخیره جهانی را در اختیار دارد، عراق نیز به همین نسبت، در حالی که ذخیره نفت به مفهوم کلاسیک آن در امریکا کمتر از ۲% است. غرب به همچنین. در نتیجه هدف یک هدف ستراتیژیک است. ولی روی این موضوع نیز میان امریکا و اروپا شکاف وجود دارد.

فیلیپو : از اروپا می گوئید ولی به همین گونه کانادا در پی بازرگانی با ایران بود ولی ناگهان امریکا اعلام کرد که ظرف ۱۸۰ روز آینده باید متوقف شود و تحریم ها به اجراء گذاشته خواهد شد...

شوسودوسکی : گرایش در اروپا طی سالهای گذشته این است که رهبران سیاسی و رؤسای جمهور باید ابزار کار ایالات متحده امریکا باشند. با وجود این مقاومتها و وجود دارد، به ویژه در محیط بازرگانی و معاملات جاری، زیرا توافقات بازرگانی... حتا با روسیه توافقات و مناسبات بازرگانی وجود دارد، برای نمونه گاز طبیعی، در نتیجه در مقابله با فسادستی امریکا مقاومتها و وجود دارد که مشخصاً با اروپا به مثابه مستعمره رفتار می کند. برای نمونه، در فرانسه می بینیم که چگونه ساختار دولت تحول یافته، به ویژه از دوران نیکلا سرکوزی. باید یادآوری کنم که پدر خوانده سرکوزی یکی از مقامات بلند پایه سازمان سیا ست و می بینیم که بخشی از خانواده او در ایالات متحده به سر می برند. این نکاتی ست که کمتر گفته می شود. در فرانسه تغییرات در ساختار دولت، ... و حاکمیت کشورهای اروپائی بیش از پیش از سیاست خارجی ایالات متحده امریکا تبعیت می کند.

فیلیپو : شما اقتصاد شناس هستید، در حال حاضر از تحریم حرف می زنند، به نظر شما پیامدهای این مجازات ها کدام است، به ویژه برای مردمی که این مجازات شامل حالشان شده. در کوریای شمالی تحریم از سال ۱۹۴۸ از سوی امریکا به اجراء گذاشته شده است. گاهی اوقات می بینیم که پیامدهای این نوع مجازات ها را دست کم می گیرند. در حالی که برخی دیگر مجازاتها را جنگ افزار کشتار جمعی ارزیابی کرده اند. شما در جایگاه اقتصاد دان می توانید برای ما توضیح دهید که پیامد این مجازاتهای اقتصادی برای مردم کدام است.

شوسودوسکی : در کوریا مجازاتها دارای دو چهره هستند، روشن است که مجازاتها به مشکلات متنوعی منتهی می شود، وقتی مجازاتها به قطعات فنی و فن آوری و این نوع کالاها مربوط می شود، ولی چهره مثبت کوریای شمالی این است که اقتصاد این کشور کاملاً خودکفاست، با علوم و فناوری خیلی پیشرفته، به همین گونه در زمینه ارتباطات.

تمایلات رایج این تصور را رواج داده اند که گوئی کوریای شمالی یک کشور توسعه نیافته و حتا عقب افتاده است. در حالی که کوریای شمالی در خیلی زمینه ها صنایع پیشرفته را توسعه داده است. پیونگ یانگ تا ۸۰٪ تخریب شده بود. همه شهرها ویران شده بود. در رسانه ها چیزی در اینباره نمی گویند ولی امروز اگر به پیونگ یانگ نگاه کنیم خیلی شبیه نیویورک است. با آسمان خراش و بناهای مدرن. فکر می کنم رسانه ها با تحریف رهبر کوریا تصویر غلطی از کوریای شمالی در ذهن ما منعکس کرده اند. در حالی که باید بدانیم که این کشور قربانی یک جنگ مرگبار بوده، ۳۰٪ جمعیت کشور کشته شدند. ولی این کشور را بازسازی کردند، حتا در شرایط مشکل و سختی که محاصره اقتصادی به کوریائی های شمالی تحمیل می کرد.

فیلیپو : محاصره اقتصادی عراق به بهای جان ۵۰۰۰۰۰۰ کودک انجامید که مادام اولبرایت آن را ضروری می دانست.
شوسودوسیکی : کاملاً

فیلیپو : شما این نزدیکی کوریای شمالی و کوریای جنوبی را چگونه تعریف می کنید، سال گذشته همه تصور می کردند که این دو کشور به زودی به جان یک دیگر خواهند افتاد.
شوسودوسیکی : مسأله به انتخاب رئیس جمهور کوریای جنوبی باز می گردد. ماه فبروری در کوریای جنوبی بودم و به زودیاها دوباره به آنجا خواهم رفت. با رئیس جمهور مون مذاکره جریان دارد. یک جریان سیاسی اجتماعی وجود دارد. البته این جریان همیشه وجود داشته است... رئیس جمهور جدید یک سری ابتکار عمل هائی را به کار بسته. باید دانست که جریانی هست که خواهان یک دولت یگانه برای کوریا است. این دیدگاه تاریخی نیز است. ولی عنصری که همیشه مانع اتحاد دو کشور شده است، حضور ۲۸۰۰۰۰ سرباز امریکائی در کوریای جنوبی است. امریکا با کوریای جنوبی به عبارتی خاص مثل یک مستعمره رفتار می کند. نتیجه قراردادی که رئیس جمهور پیشین با امریکا به امضاء رساند، این بود که کل ارتش کوریای جنوبی را به فرماندهی پنتاگون وابسته کرد. در نتیجه رئیس جمهور فرمانده کل قوا نیست و حاکمیت کوریای جنوبی از بین رفت. امریکائی ها دست به هر کاری خواهند زد که جلوی اتحاد دو کشور و یا طرح های مشترک آنها را بگیرند.

فیلیپو : درباره دیدار ترمپ و رئیس جمهور کوریای شمالی چه فکر می کنید ؟

شوسودوسیکی : شخصاً فکر می کنم که چنین ملاقاتی در ماه جون صورت نخواهد گرفت. توافق پیشا ملاقات به انجام نرسیده، و با بحران پیمان نامه ایران و آنچه برای ایران روی داد، کوریای شمالی ها وضعیت خودشان را باز بینی می کنند. چند روز پس از ملاقات کوریای جنوبی و شمالی، ترمپ اعلام کرد که شاید ملاقاتی با کیم جونگ اون صورت نگیرد و ضرورتی نخواهد داشت. معنایش این است که مذاکره ها ادامه می یابد. یک شرط اساسی برای توافق صلح وجود دارد و آن هم نظامی زدائی کوریای جنوبی است، یعنی خروج نیروهای امریکائی از کوریای جنوبی. ولی قراردادهای بر جا مانده و کشور به نوعی خاص در گروگان امریکاست.

رهبران سیاسی این موضوع را می دانند، ولی امریکائی ها از کوریای جنوبی دست نخواهند کشید و اسباب کشی نخواهند کرد. این منطقه از دیدگاه ستراتیژیک برای امریکائی ها خیلی مهم است. نباید فراموش کرد که کوریای شمالی کشوری است میان دو کشور چین و روسیه. در واقع دشمن اصلی در این منطقه چین و روسیه است.

گاهنامه هنر و مبارزه/۲۱ مه ۲۰۱۸